

## چینش تکه های یک پازل

## داعش اسب تروای غرب در خاور میانه

■ علی فادرانی



ظاهر اغرب و به طور خاص آمریکا به دلیل خلاء استراتژیک در رابطه با تحولات خاور میانه تا کنون نتوانسته اند یک برنامه منسجم برای مقابله با داعش ارائه کنند. به بیان دیگر راهبرد غرب در مقابل داعش از چشم انداز های کلان سیاستگذاری غرب در منطقه پیروی می کند، چشم انداز هایی که این روزها دائماً در حال تغییر هستند. این در حالی است که گنجی استراتژیک باعث شده دامنه تهدیدات داعش به کشورهای اروپایی برسد. برخی تحلیلگران سیاسی می گویند اوپاما برای مقابله با تهدیدی چون داعش بیش از اندازه لیبرال است. اما این همه ماجرا نیست، هستند گروه دیگری از تحلیلگران که نظری متفاوت ارائه می کنند. این گروه از تحلیلگران ضمن تایید زیگزاگ سیاسی در کاخ سفید می گویند: پنتاگون مسیری جدا از کاخ سفید طی می کند. بدنه بوروکراسی وزارت دفاع را جمهوری خواهانی شکل می دهند که تصویری مشخص برای توسعه طلبی های آمریکا در ذهن دارند. این تحلیلگران قطعات معنی داری از یک پازل کامل را در زیر رفتار زیگزاگی کاخ سفید ترسیم می کنند که رویکرد کلی غرب در قبال داعش و تحولات خاور میانه را نشان می دهد. در ادامه به سیر تحول استراتژی غرب علیه داعش می پردازیم:

## هدف غرب، داعش را توجیه می کرد

بحران سوریه و قد علم کردن مخالفان تندرو شبه نظامی در مقابل ارتش این کشور که نخله و اعقاب فکری و لجستیکی آنها به القاعده عراق بر می گشت، زمینه را برای گسترش افراط گرایی فراهم نمود. این شاخه انشعاب یافته از عمر بغدادی که پس از زرقاوی تشکیلات القاعده عراق را هدایت می کرد، بعدها به لحاظ کارکردی و تشکیلاتی کاملاً از القاعده راه خود را جدا کرد و در قالب گروه های مسلح شبه نظامی که قدرتمندترین آنها جبهه النصره به شمار می رفت به مبارزه علیه نظام سوریه ادامه داد. موضع ایالات متحده شاید در این برهه از گسترش شکل تازه افراط گرایی بسیار مهم تر از هر زمان دیگری بود. کارگزاران سیاست خارجی و مسئولین دیپلماسی ایالات متحده در آن روزها و ماه ها پیش از هر زمان دیگری خواسته یا ناخواسته به تقویت این افراط گرایی پرداختند. آنان تنها توانایی شنیدن سخنان شاهزادگان و امیران پادشاهی اعراب منطقه را داشتند که مرتب از ضرورت سرنگونی بشار اسد، قطع شاهراه حیاتی ارتباط ایران و حزب ... و یکسره کردن جبهه شیعی ایران سخن می گفتند. بر اساس این منطق میلیون ها دلار پول از سوی کشورهای غربی و از آن جمله فرانسه و آمریکا به سوریه و برای این مخالفین مسلح سرازیر شد و کشورهای عربی منطقه مانند عربستان و قطر نیز مشارکت بسیار فعالی در مسلح کردن و حمایت مالی این مخالفان داشتند. تنها در یک مورد ایالات متحده ۱۳۵ میلیون دلار به صورت مستقیم به این شبه نظامیان مسلح کمک نمود. این تاکتیک آمریکا اولین اشتباه راهبردی غرب در دورانی بود که همزمان با گسترش افراط گرایی مذهبی در سوریه، عراق را آستان ایجاد داعش کرده بود.

## تفسیر سیاسی آمریکا از داعش

بامرگ عمر البغدادی، ابوبکر البغدادی رهبری القاعده عراق را به عهده گرفت و زمانی که پرده از اهداف وسیع خود برای تشکیل یک امارت بزرگ مذهبی برداشت، شرایط را برای یکپارچه سازی افراطیون عراق و سوریه فراهم نمود. تصرف

الانبار گام نهایی وی برای ایجاد پل استراتژیک عراق و سوریه برای نفوذ در این کشور بود. البغدادی که کنش های جبهه النصره در سوریه را به سرخه گرفته بود، به تدریج با ورود به سوریه ضمن بیعت گرفتن از اکثر گروه های مخالف، جبهه النصره را در میدان های مختلف به زانو در آورد و فاتحانه پس از فتح موصل در نینوا، تشکیل امارت اسلامی عراق و شام را اعلام نمود. اینجا بود که خطر داعش برای اولین بار و در زمانی که هزاران نفر از مردم عادی بر اثر افراط گرایی های مذهبی مخالفین شبه نظامی در سوریه قتل عام شده بودند، احساس شد. گروه داعش اکنون با دستیابی به سلاح های پیشرفته ای که زمانی از سوی قطر و عربستان و امارات و با چراغ سبز آمریکا به شورشیان سوری تحویل شده بود، ارتش قدرتمندی تشکیل داده بود. ارتشی که منابع مالی زیادی نیز در اختیار داشت. داعش که در سوریه راهی مرزهای حلب بود و در عراق نیز به بغداد نزدیک شده بود، تقریباً هیچ احساس خطر نمی کرد و تصرف شهرهای عراق را به سرعت چند ساعت میسر می کرد. دولت عراق برای مبارزه با داعش خواستار کمک های غربی ها و آمریکا بود و اینجانباز دومین اشتباه بزرگ راهبردی آمریکا علیه داعش اتفاق افتاد. ایالات متحده با این استدلال که دولت مرکزی نوری المالکی به لحاظ سیاسی ضعیف بوده و مورد اجماع همه گروه ها و اطراف مدعی عراق نمی باشد، به این در خواست پاسخ منفی داد. در سطحی دیگر، آمریکا شورش داعش را سیاسی تفسیر کرده و اعتراضات آنان را نتیجه سیاست های نوری المالکی می دانست. آن زمان یکی از بهترین مقاطعی بود که می شد بدون فروپاشی کامل ارتش عراق، با رساندن کمک و تجهیزات نظامی داعش را در اطراف موصل زمینگیر کرد. اما این اتفاق هرگز رخ نداد.

## داعش از کنترل خارج می شود

این رویه آمریکا موجب شد که شبه نظامیان داعش بیش از هر زمان دیگری احساس آرامش کنند و با خیال راحت پس از اینکه فهمیدند نبرد در بغداد فعلاً میسر نمی باشد به سمت مرزهای شمالی عراق تغییر جهت داده و هوس تصرف اقلیم کردستان را در سرپروراندند. هنگامی که شبه نظامیان داعش با سرعتی باور نکردنی ارتش پیشمرکه کردستان را متلاشی کردند و تا چند کیلومتری اربیل پیش رفتند، ایالات متحده احساس خطر نمود و به این ترتیب برای اولین بار خطر داعش را جدی تلقی نمود. هدف قرار دادن مواضع داعش در اطراف اربیل توسط جنگنده های آمریکایی آغاز رویارویی آمریکا علیه داعش بود که بعدها گسترده تر نیز شد. البته سیاستگذاران آمریکایی در یک تفسیر ناشیانه از وضعیت عراق، هدف دیگری را از عدم کمک به دولت نوری المالکی در سر داشتند و آن هم تحت فشار گذاشتن وی برای کناره گیری از قدرت بود تا به ادعای آمریکا زمینه روی کار آمدن یک گزینه مورد اجماع همه گروه ها فراهم شود.

## تشکیل ائتلاف بین المللی علیه داعش

تشکیل دولت توسط حیدر العبادی و گسترده تر شدن حملات آمریکا علیه مواضع داعش در عراق و سرانجام اقدام داعش به سر بردن روزنامه نگاران آمریکایی و انگلیسی، مرحله بعدی استراتژی آمریکا و غرب علیه داعش که همان تشکیل ائتلاف بین المللی علیه این گروه بود را موجب شد. نشست پاریس به گفته جان کری بیش از ۴۰ کشور را دور هم جمع کرد تا با محوریت عربستان و قطر و امارات که تا چند ماه پیش بزرگ

ترین تسلیح کننده و پشتیبان مالی این افراط گراییان مذهبی بودند، جبهه ای بین المللی علیه داعش شکل گیرد. جبهه ای که از طریق حملات هوایی و با استفاده از پایگاه های هوایی قطر و بحرین مواضع داعش در عراق و سوریه را هدف قرار می داد. این حملات در برهه هایی پیشرفت های داعش در مناطق عملیاتی سوریه و عراق را کند کرد و البته هیچ گاه تحركات آنان را متوقف نساخت. ضعف حملات هوایی صرف و عدم استفاده از نیروی زمینی به زودی آشکار شد و به اذعان بسیاری از کارشناسان عدم کارایی ائتلاف و حملات هوایی را نشان داد. اختلافات حتی در کابینه اوپاما در خصوص تاکتیک و راهبرد علیه داعش شدت گرفت و سبب شد چاک هیگل وزیر دفاع این کشور استعفا نماید.

## استراتژی سرزمین سوخته

تحولات بعدی نشان داد که ایالات متحده در حملات خود علیه داعش برای نابودی کامل آن برنامه مدونی ندارد و همزمان اوپاما از جنگ طولانی و چند ساله علیه داعش خبر داد. جنگی که به قول آمریکائیان قرار نیست به زودی زود اتمام یابد. سخنان اوپاما و کنده تحركات و حملات هوایی علیه داعش از سوی ائتلاف و آمریکا مرحله جدیدی از تاکتیک غرب را آشکار نمود. کاملاً واضح بود که ایالات متحده در صدد اجرای استراتژی «کنترل مبتنی بر هرج و مرج» می باشد. بر اساس راهبرد کنترل مبتنی بر هرج و مرج، هیچ گروهی در عراق و سوریه اعم از دولت این کشور یا شیعیان و حتی اهل سنت نمی بایست قدرت مطلق و دست برتر را پیدا کند.

حضور و بقای امارت اسلامی شام و عراق تضمین برقراری چنین وضعیتی به شمار می رود. این مسئله اشتباه بزرگ دیگری است که ایالات متحده مرتکب شد. کاملاً واضح است که برخورداری از هواپیماهای پیشرفته جاسوسی و پیشرفته ترین تجهیزات هوایی، کار آسانی را برای آمریکا برای نابودی داعش گذاشته است و علی رغم جنگ نامنظم پارتیزانی، از بین بردن این گروه را که در خوشبینانه ترین حالت ۳۰ هزار نفر عضو دارد ممکن و عملی ساخته است. فرسایشی کردن جنگ در عراق و سوریه موجب خواهد شد که توان تمامی طرف های درگیر به شدت تحلیل رفته و زمینه برای کنترل شرایط هرج و مرج توسط آمریکا فراهم شود. این مهم به ویژه در سوریه از آن جهت دارای اهمیت است که ایالات متحده زمینه را برای روی کار آوردن کسانی که آنان را مخالفان میانه روی می خواند فراهم می کند. آمریکا اعلام کرده است که هم اکنون ۵ هزار نفر از این افراد در پادگان های نظامی عربستان در حال آموزش دیدن هستند.

بدیهی است تازمانی که این افراد زمینه لازم برای به دست گرفتن امور را نداشته باشند، هیچ کدام از طرفین درگیر نباید دست برتری را در سوریه داشته باشند. در عراق هم زمینه برای تفکیک سه اقلیم کردستان، سنی نشین و شیعه نشین می بایست ایجاد شده و سپس جنگ اتمام یابد. اینها بخشی از راهبرد بلند مدت ایالات متحده می باشند که تلاش دارد در قالب مبارزه با داعش بار دیگر نقش موازنه گر و دست برتر خود در مسائل منطقه ای را نمایان سازد. اینکه چشم انداز این رویکرد ایالات متحده در نهایت عراق و سوریه را به چه سمتی خواهد برد، پیش بینی آن چندان سخت نیست و با توجه به مولفه های گفته شده می توان فهمید که منازعه امارت داعش با ارتش سوریه و عراق به این زودی ها پایان نمی یابد.

